

در جستجوی راه

در تقویم افغانستان روزها تاریخی زیادی است که در آن مبارزین راه آزادی، شخصیت های ملی، دموکرات و مذهبی جام شهادت نوشیده اند که ارزش معنوی آن روزها پا برجاست چه از آن روزها تجلیل شود و یا خیر.

هژده جوزا در تقویم نیرو های انقلابی و دیموکرات روز نمادین شده و طی محافل و نشست های جمعی و یا انفرادی از آن استقبال بعمل می آید.

امسال در بزرگداشت از این روز روی مسایل مکث می نمایم که چالش های بیشتری در بحران کشور عزیز ما افغانستان در مقابل جنبش ملی و دموکراتیک افغانستان قرار دارد.

در سطح بین المللی همسایگان در بعد اقتصادی، سیاسی و نظامی دست از سر کشور و مردم ما نه کشیده اند و با صدور انتحاریها، قتل و خون ریزی را در سرزمین ما بیشتر کرده اند. و با استفاده از نیروی های ستون پنجم خود در رشد بحران افزوده اند.

روسها با پلان های دراز مدت خود پای امریکایی ها را بیشتر در لجن استعماری اش گیر کرده است.

در سطح داخلی زد و بند های نیروی های عقب گرا با ایجاد اتحادها و قسم خوری های که برای فریب مردم خورده بودند و می خورند بر اوضاع پریشان کشور لایحه های گند و فساد و خون خوری را روی هم انبار کرده می روند.

دولت پوسیده و گندیده تا گلو با قلدنمنشی قومی با فیر مرمی بر هر جنبه ای دریای خون بی گناهان را روی جاده ها سیلاب ساخته است.

جغد مکار "قصاب کابل" در کاج بلند نشسته و خواب امارت می بیند و طرح اجماع ملی را پیش کش کرده است.

فغان ملت داغ دیده و شهید پرور ما تا ۹ کرسی فلک رسیده است، اب جوشان این دیگ بی سر پوش سالهاست تبخیر شده می رود.

ملت که رهبر و پیشوا نداشته باشد مانند مور های سرگردانند که که به هر سوراخ غذای زمستان شان را به تنهایی می برند.

استعمارگران داس و چکشی و سیاه دلان خون اشام، رهبران ملت افغانستان را یک یک به تیغ شهادت کشیدند و از ساحه مبارزه نیست و نابود ساختند. روح شان شاد.

هم اکنون ملت به رهبر و شخصیت کثیر البعدی، چون زنده یاد مجید "کلکانی" ضرورت دارد. شخصیت که یکی او را کمونیست، دیگری مسلمان، ثالثی عیار و جمعی هم جوان.... میگویند.

کمبود چنین شخصیتی واقعن در شرایط بحرانی کنونی احساس می شود که خلای را ایجاد کرده که تا هنوز پرنه گردیده است.

درک علمی و ظرفیت های کار عملی که در شخصیت زنده یاد مجید متبارز بود. شایسته بود که این خلا را پر سازد. اما حالا که مجید به اسطوره تاریخ تبدیل شده است، چه باید کرد؟

آیا درک علم و ظرفیت های کار عملی، اکتسابی یا ذاتی اند و یا ژنتیکی است؟ همه میدانیم که اکتسابی اند.

درست است که خصوصیات منحصر بفرد مجید را نمیتوان در وجود شخصی دیگری جستجو کرد. اما با مساعد گرداندن زمینه های رشد ظرفیت سازی، چنین شخصیت را می توان در جنبش فعلی بیرون داد که با گام استوار آن ظرفیت ها را کسب کند

ظهور چنین شخصیتی دیر نخواهد بود که با پشتیبانی ملت غیور ما زمینه ساز وحدت ملی در افغانستان داغ دیده گردد.

به نظر عده ای با شهادت رهبران، دگر کسی پیدا نخواهد شد که بحران فعلی رهبری و وحدت ملی را در افغانستان تامین کند.

طوریکه ریشه های آزادی خواهی در زمین عدالت طلبی از خون مردم سیرآب می گردد امیدی شگوفایی گل بهاری را نوید میدهد.

طی بیش از سی سال، جنبش های آزادی خواهی، وطن پرستی، مقاومت و پایداری مردم علیه متجاوزین، حاکمین وابسته، مستبدین، تاریک اندیشان، متنفذین خون خوار، چه بطور روشن و یا مخفی، در گوشه های از سرزمین ما قد برافراشته اند، شکست و خامی این جنبش ها ناشی از عدم مهندس و تحرک ماست.

برای اعمار تعمیر به مهندس با تجربه و زمین ضرورت است. زمین یعنی افغانستان عزیز وجود دارد. مهندس که نقشه ای تعمیر را طراحی کند و معمار که مواد تعمیراتی را درست درجایش بکار برد در بین ملت ما است. کوشش کنیم او را پیدا کنیم و تا تکمیل تعمیر مستحکم و پایدار و مقاوم در مقابل هر طوفان و سیلاب، به او اعتماد کنیم. بر آوردن این هدف طولانی و زمان گیر است.

در جستجوی راه رسیدن به این هدف با مشکلات زیادی مواجه خواهیم بود. مشکلات را نباید با احساسات حل کرد. برای دریافت حقیقت و جستجوی واقعیت بر خورد علمی و اندیش مندانه انجام داد. طرح ها و پیشنهادات خود را ولو دارای نواقصی هم باشند بین هم پیشکش و به مشوره گذاشت. ظرافت های دیپلماتیک را درگفتمان ها خویش مد نظر گرفته و برای دریافت کلید حل مشکلات از "خر لنگ" خود پاهین آمده و از جاه طلبی و غرور پرهیز کرد و سنت های "حراس" "من" و "ما" را شکست.

با برداشتن گام های عملی و استوار خواهیم توانست به وحدت واقعن ملی و نجات افغانستان عزیز از بحران موجود، دست یافت.

بیا بیید تا آنچه را که ایستا است تکان و آنچه را که زیبا است جهانش دهیم. گلی را که هنوز نه پژمرده در آب بگذاریم، و آب را که تا هنوز نه گندیده است ره یابش کنیم.

محمد طاهر،

امریکا، هشت ماه جون دوهزار و هفده